

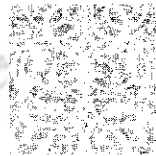
# نقش وقف و بنیادهای خیریه در توسعه کشورهای غربی

■ وقتی می‌خواهیم از نقش وقف و بنیادهای خیریه در توسعه کشورهای عموماً و کشورهای غربی خصوصاً بحث کنیم نباید از یاد ببریم که اگر «وقف» و «بنیادهای خیریه» تأثیری در توسعه و تمدن و شهرنشینی و کشورداری ایفا کرده و امروز به نام تمدن غربی خوانده می‌شود این وقف و خیرخواهی و نیک‌کرداری به نوبه خود از دین سرچشمه می‌گیرد و آن چیزی که موجب شده تا مردم از اموال و ثروتی که با خون دل فراهم آورده‌اند به راحتی و داوطلبانه چشم پوشی کنند، انگیزه دینی بوده است. این انگیزه را می‌توان ترس از خدا، آموزش و راه یافتن به بهشت، باقی ماندن نام نیک و یا همه این‌ها یک جا، دانست ولی هرچه باشد همه و همه از تعالیم و آموزه‌های دینی برخاسته است.

منظور از دین همه ادیان آسمانی است. اعم از دین اسلام که قرآن کار نیک را از هر کس باشد به عنوان عمل صالح ستایش کرده و حتی نیکوکاران را وارثان زمین دانسته است. چنانکه در این آیات فرموده است:

دکتر محمد جعفری هرنندی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شهرری



«همانا مقرر داشتیم در زبور پس از ذکر که حتماً زمین را به ارث می‌برند بندگان صالح ما»<sup>۱</sup> و در جای دیگر خدای متعال اعلام داشته که عمل محسنین را ضایع نخواهد ساخت و اجر آنان را ارزانی می‌دارد «خداوند ضایع نمی‌سازد پاداش نیکوکاران را»<sup>۲</sup>.

و یا دین یهود یا دین مسیح(ع) که نماینده آن کلیسا است و یا هر دین دیگری که اساس آن بر باور نیروی ماوراء طبیعت بنا شده باشد.

دین هم به سهم خود در ایجاد آرامش، عمران، آبادی و پیشرفت جامعه بشر نقش مهمی را ایفا کرده گرچه گاه دینداران در راه این پیشرفت که لازمه زندگی عمومی بشر است موانعی از طریق جنگ و ستیز و ناسازگاری با هموعان خود به وجود آورده‌اند و این ناآرامی‌ها را با اتکاء باور دینی خود عنوان کرده‌اند.

«حتی مورخان شکاک، فروتنانه در برابر دین تعظیم می‌کنند زیرا می‌بینند که دین در هر سرزمینی و هر عصری در کار است و ظاهراً گریزی نیست.»<sup>۳</sup>

«از بسیاری لحاظ دیانت جالب‌ترین رسم بشری است. زیرا تضمین نهایی آدمی است درباره زندگی و تنها حربه دفاعی او در برابر مرگ. در قرون وسطی هیچ چیز مشی دیانتی همه جا حاضر، که گهگاهی تقریباً فعال مایشاء است در خاطر انسان نمی‌نشیند.»<sup>۴</sup>

همچنان که فلاسفه، سلاطین و سرداران در آبادانی، نزاع‌ها و صلح‌ها، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، تخریب و عمران، توسعه و رفاه، تنگدستی و هر آنچه در مسیر تاریخ زندگی اجتماعی بشر رخ داده، سهیم بوده‌اند دین مداران هم با استفاده از باور دینی در این گونه امور، چه خوب و چه بد، شرکت داشته‌اند با این تفاوت که چون دین برخاسته از باور مردم بوده به سادگی در خدمت تخریب یا آبادانی قرار می‌گرفته و مردم متدین به راحتی تسلیم آموزه‌های دینی می‌شده‌اند ولی پیروی آنان از دستور حاکمان و سرداران یا پذیرفتن تعالیم فلاسفه نیاز به وقت یا زور داشته است.

اصول دیانت همواره در جهت اصلاح و سازندگی بوده چنان‌که اندیشه و تعقل بشر هم با هدف اصلاح فعالیت می‌کرده است و آنچه از آموزه‌های دینی که در جهت تخریب یا ایجاد مفاسد قرار گرفته، مربوط به برداشت‌های افراد مغرض یا ساده‌اندیش بوده است.

در این نوشتار برآنیم تا تأثیر یکی از باورهای دینی یعنی خیرخواهی و اهدای مال (وقف) را در تمدن و توسعه کشورهای غربی بررسی کنیم.

عنوان نوشتار اینجا به بحثی طولانی و همه‌جانبه، با در نظر گرفتن رویدادهای تاریخی و دینی دست بزنیم اما از آنجا که عمده فعالیت دینی در غرب ناشی از تعالیم حضرت مسیح(ع) است و این تعالیم و کارکردها در مراتب مختلف

کلیسا متمرکز شده و نیز برای آنکه گستردگی بحث آن را از حوصله خواننده دور نسازد، بر آن شدیم تا مباحث را به نتایج حاصل از فعالیت‌های کلیسای غربی یا به طور اعم اروپایی محدود کنیم و بدین جهت مطالب را زیرمجموعه «فعالیت کلیسا» قرار می‌دهیم زیرا کلیسا در برگیرنده تمام فعالیت‌های خیرخواهانه در قرون وسطی بوده و امروز هم بسیاری از کارهای نیک، یا وابسته به کلیساست و یا از تعالیم آن سرچشمه می‌گیرد چنانکه در ایران باستان هم کار نیک به اتکای تعالیم زردشت برای پیروزی آهورامزدا بر اهرمن صورت می‌گرفت و در جهان اسلام نیز چنین فعالیت‌هایی زیر عنوان جامع و کامل «فی سبیل الله» می‌گنجید.

### کلیسا در غرب

اگر دین اسلام به سرعت در شرق و غرب پیشروی کرد و بسیار سریع دامنه فعالیت خود را به کوه‌های البرز و قسمت‌های منتهی الیه خراسان و مصر و افریقه و کمی آن طرف‌تر به اسپانیا کشاند، مسیحیت عمدتاً پیشرفتش در غرب بود و حوزه فعالیت حواریان و شاگردان آنان در شرق اروپا گسترش یافت و برای اولین بار یکی از حواریان عیسی (ع) به نام پولس ضمن سفرهای خود به «مقدونیه» رفت و قدم به اقلیم اروپا نهاد و در شهرهای بزرگ ساحلی یونان، مجامع عیسوی تشکیل داد؛ به آتن رهسپار گشت و از آنجا به شهر کورنت رو آورد و یکی از کلیساهای مهم عالم مسیحیت را در آن شهر برپا ساخت.<sup>۵</sup>

پس از آن بین سال‌های ۵۰ تا ۱۵۰ میلادی رفته‌رفته مسیحیت با تشکیلاتی مستقل از یهودیت در آن سرزمین توسعه یافت تا کلیسای قدیم کاتولیک به صورت کاملاً مستقل به وجود آمد. این کلیسا از سال ۱۵۰ تا ۱۰۵۴ رو به توسعه نهاد و با فراز و نشیب‌هایی روبرو شد که با خواندن تاریخ اروپا می‌توان تأثیر این کلیسا را در اخلاق، ادبیات، فرهنگ، سیاست، تغییر مرزهای سیاسی و به طور کلی مجموعه رویدادهای سرزمین اروپای غربی ملاحظه کرد. کلیسا به اتکای ایمان مردم منابع مالی فراوانی را در اختیار داشت که این منابع گرچه همانند دیگر منابعی که در اختیار بشر بود گاه در امور غیر مفید و حتی مفسده‌انگیز هم به‌کار گرفته می‌شد اما روی هم رفته و با نگاهی همه‌جانبه معلوم می‌شود سهم کلیسا در میان فعالیت‌هایی که در غرب برای توسعه شده سهم بسزایی بوده است گرچه بعضی از متفکران بر آنند که آنچه را پاپ‌ها از مردم به عنوان صدقه، درآمد موقوفات، بهای آموزش گناهان و عشریه‌ها اخذ می‌کردند موجب چاپیدن میلیون‌ها نفر شده اما هم آنان بوده‌اند که میلیون‌ها صرف آبادی و عمران کرده‌اند.<sup>۶</sup>

برای بررسی منابع درآمد و در نتیجه توجه مردم متدین به امور خیریه و نیز مصرف چنین درآمدهایی لازم است موقعیت

کلیسا را در سه مورد به بحث بگذاریم:

— موقعیت اجتماعی کلیسا؛

— منابع مالی کلیسا؛

— خدمات کلیسا.

## موقعیت اجتماعی

موقعیت اجتماعی کلیسا جدا از موقعیت و تأثیر دین در فرایند اجتماع نیست و هر یک از ادیان سهم عمده‌ای در گرد آمدن مردم و زایش تمدن دارند.

«دین به جامعه و دولت توانایی و کفایتی عمیق و استادانه می‌بخشد، شعائر و آیین‌های دینی روح را آرامش می‌دهند و چون رشته‌ای، پیوند نسل‌ها را با یکدیگر سبب می‌شوند؛ کلیسای بخش محل انجمن می‌شود و افراد را به گونه تازی به هم می‌بافد و از آن منبع جامعه را به وجود می‌آورد. کلیساهای جامع به عنوان نتیجه و مظهر مفاخرت اتحاد شهرداری‌ها به آسمان قد می‌افرازند. هنرهای دینی زندگی را آراسته و زیبا می‌سازند. موسیقی مذهبی نوای آرامبخش خود را تا عمق جان فرد و جامعه سرایت می‌دهد. دین به قوانین اخلاقی که مغایر سرشت و طبیعت بشر اما مفید تمدن است تقدس و اعتبار آسمانی اعطا می‌کند.»<sup>۷</sup>

زایش تمدن و بنیان‌گذاری نهادهای اجتماعی هرگز نمی‌تواند خالی از مسائل مالی باشد حتی تارکان دنیا که درون دیرها و صومعه‌ها به رهبانیت و انزوا می‌پردازند به حداقل معیشت نیازمندند و این نیازمندی است که مسأله مالی را برایشان اگر چه در حداقل آن مطرح می‌سازد چه رسد به دستگاه پرطمطراق کلیسا و اسقفان یا خاخام‌های یهودیان و یاروحانیت و خلافت اسلامی.

از این رو است که پرداخت مال و صدقه با تفاوتی نه چندان زیاد در تمام ادیان برای ترویج امور مذهبی جزء وظایف دین‌باوران آموزش داده می‌شود.

در دین یهود موقعیت اجتماعی کاهنان بر اساس قربانی کردن و گرفتن صدقات و نذورات پایه‌گذاری شده و البته این کاهنانند که تقریباً همه امور مردم را، اعم از دنیوی و اخروی، در دست دارند.

کاهنان عهده‌دار جمع‌آوری صدقات و ذبح قربانی و اداره کردن موقوفات اما باید موقوفات را در همان راهی که وقف شده یعنی در راه خدا مصرف کنند: «و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هارون و پسرانش را بگو که از موقوفات بنی اسرائیل که برای من وقف می‌کنند احتراز نمایند و نام قدوس مرا بی حرمت نسازند من بیهوه هستم ○ به ایشان بگو هر کس از همه ذریت شما در نسل‌های شما که به موقوفاتی که بنی اسرائیل برای خداوند وقف نماید نزدیک بیاید و نجاست او بر وی باشد آن کس از حضور من منقطع خواهد شد من بیهوه هستم.»<sup>۸</sup>

از مجموع شرایع موسی می توان استفاده کرد که تنها بهایم و اموال نقدی نبود که از سوی بنی اسرائیل برای کاهنان و امور دنیایی اهدا می شد بلکه اموال غیر منقول هم برای کارهای خیر اهدا می گشت.

«و اگر کسی خانه خود را وقف نماید تا برای خداوند مقدس شود کاهن آن را چه خوب و چه بد برآورد کند و به طوری که کاهن آن را برآورد کرده باشد هم چنان بماند.»<sup>۹</sup>

پیشتر از اینها در سفر خروج، موسی به بنی اسرائیل دستور داده که شش روز کار کنند و روز هفتم دست از کار بکشند و آنگاه موسی تمامی جماعت بنی اسرائیل را خطاب کرده گفت این است امری که خداوند فرموده و گفته است ○ از خودتان هدیه برای خداوند بگیریید هر که از دل راغب است هدیه خداوند را از طلا و نقره و برنج بیاورد ○ ... پس تمامی جماعت بنی اسرائیل از حضور موسی بیرون شدند ○ و هر که دلش او را ترغیب کرد و هر که روحش او را با اراده گردانید آمدند و هدیه خداوند را برای کار خیمه اجتماع و برای تمام خدمتش و برای رخت های مقدس آوردند.<sup>۱۰</sup>

از این احکام بر می آید که قدیمی ترین دین الهی یعنی دین موسی پس از خروج از مصر آنگاه که بنی اسرائیل خواسته اند جامعه تشکیل دهند و فرمان های الهی را اجرا سازند، یکی از امور مهم را جمع آوری مال و تقویت بنیه مالی دانسته و مردم را به دادن صدقات و هدایا ترغیب نموده است.

بیشترین دستورات مذهبی و احکام عملی موسی (ع) در سفر لاویان تورات آمده و در همان جاست که تأمین منابع مالی برای اجرای احکام و تأسیس جامعه در قالب هدیه، نذر، صدقات و موقوفات پیش بینی شده است.

کلیسا هم که بر پایه تعالیم موسی بنیاد نهاده شده، به نظر می رسد موقعیت اجتماعی خود را از همان اختیارات کاهنان، البته با ملایمت کمتر و گستردگی بیشتر، به ارث برده باشد.

«در طی هزار سال میان سلطنت قسطنطنین تا ظهور دانتته که یکی از هزاره های برومند و سازنده تاریخ بشر است کلیسای مسیحی موهبت و نیروی دینی را به ملت ها و کشورها ارزانی داشت. به شخص عیسی تجسم الهی از فضایل ملکوتی بخشید چنانکه بربرهای وحشی و ناهنجار در برابر آن، یوغ تمدن مسیحی را شرمگین برگردن افکندند. کلیسای مسیحی کیشی پدید آورد که در آن زندگی انسان جزئی ناچیز از یک نمایش عظیم و باشکوه جهانی بود و رابطه و پیوندی خطیر و مهم در میان هر یک از افراد بشر و خداوندی که وی را آفریده بود قایل شد.»<sup>۱۱</sup>

موقعیت اجتماعی کلیسا به عنوان یک نهاد دینی رفته رفته تبدیل به یک نهاد سیاسی شد و تا امروز هم دستگاه پاپ در دل شهر رم دولتی است در دولت و برای خود سفیر و کارگزار جدای از دولت ایتالیا دارد.

گر چه پاپ و تمام کلیساها برای خود رسالتی معنوی و آسمانی قائلند و هدف نهایی خود را ایجاد شهرهای آرمانی و خدایی بر روی زمین می دانند اما همین آرمان گرایی بدون تکیه بر مال و منال دنیا و امکانات موجود هرگز به نتیجه نخواهد

رسید و لذا همان‌طور که حضرت موسی (ع) در خیمه اجتماع – پس از رهایی از ظلم فرعون و پیمودن بیابان‌های بی‌آب و علف – از بنی اسرائیل خواست تا با رغبت و ایمان هدایایی به کاهنان (فرزندان هارون) بدهند و مردم هم از آن چه داشتند سهمی نثار جامعه جدید کردند، کلیسا هم ناچار شد از هدایای مردم استفاده کند.

مسیحیان هم به اتکای ایمانی که داشتند پرداخت هدایا را با رغبت انجام می‌دادند و هر قدر دستگاه پاپ پررونق می‌شد گروندگان به مسیح احساس غرور و شادمانی می‌کردند «ثروت کلیسا در اسپانیا باعث اعتراض مردم نمی‌شد. کلیساهای بزرگ مخلوق خود مردم بودند و آنها از مشاهده زینت پر جلال آن بسیار مسرور می‌شدند.»<sup>۱۲</sup>

### منابع مالی کلیسا

برای روشن شدن منابع مالی کلیسا بهتر است آنچه را ویل دورانت در بخش دوم از عصر ایمان کتاب خود آورده به صورت فشرده در این جا نقل شود.

وی منابع مالی کلیسا را چنین شمارش می‌کند.

۱. مهم‌ترین درآمد کلیسا عشریه (یک دهم درآمد) بود. کلیه سرزمین‌های مسیحی لاتین به حکم قوانین مملکتی مکلف بودند یک‌دهم محصولات یا درآمد ناویژه خود را جنسی یا نقدی به کلیسای محل واگذار کنند.
۲. درآمد اساسی کلیسا از محل زمین‌هایی بود که خود کلیسا در تملک داشت. این اراضی را کلیسا از طریق هدایا یا هبه، از راه خرید یا تصرف املاک افراد بدهکار یا از طریق احیای اراضی موات به همت رهبانان دیرها یا سایر جماعات روحانی به چنگ آورده بود. در نظام فئودالی از هر مالک یا مستأجری انتظار می‌رفت که هنگام مرگ چیزی وقف کلیسا کند.
۳. برخی از توانگران اموال خود را در برابر یک نوع بیمه ایام پیری و تنگدستی به کلیسا واگذار می‌کردند. در این موارد معمولاً هنگام بیماری یا روز پیری شخص مرتهن از وی توجه و دستگیری می‌کرد.
۴. برخی از اشخاص بلاوارث چون از جهان می‌رفتند تمامی دارایی خویش را به کلیسا واگذار می‌کردند.
۵. اموال کلیسا چون قابل انتقال نبود (همانند موقوفات اسلامی) و مشمول مالیات هم نمی‌شد قرن به قرن افزایش یافت. برای یک کلیسای جامع، یک صومعه، یا دیر راهبه‌ها، داشتن چندین هزار روستای خاوندی<sup>۱۳</sup> که متضمن ده – دوازده شهر کوچک یا حتی یکی دو تا شهر آباد بزرگ باشد امری غیرعادی محسوب نمی‌شد. اسقف لانگر تمامی ایالت را مالک بود. صومعه قدیس مارتن متجاوز از بیست هزار سرف<sup>۱۴</sup> در اختیار داشت.

اسقف یولونیا در حدود دوهزار روستای خاوندی داشت و دارایی دیر لونتین نیز به همین اندازه بود. دیر لاس خولگاس واقع در اسپانیا مالک شصت و چهار شهر بود. در حدود سال ۱۲۰۰ میلادی در کاستیل واقع در اسپانیا، کلیسا یک چهارم زمین‌های

ناحیه را در تصرف داشت. در انگلستان اراضی متعلق به کلیسا یک پنجم مملکت بود. در آلمان به یک سوم بالغ می شد. در لوونیا به نصف مجموع اراضی می رسید.

این ارقام تخمینی هستند و در مورد صحت آنها نمی توان کاملاً مطمئن بود اما از آنجا که می بینیم، حکومت ها برای تملک اراضی متعلق به کلیساها با روحانیان به ستیز برخاسته و گاه به ضبط آن اراضی کمر بسته اند و «حتی در انگلستان با تصویب چندین قانون مربوط به اوقاف و اگذاری اراضی را به تشکیلات کلیسایی محدود کرده اند»<sup>۱۵</sup> معلوم می شود تراکم دارایی کلیسا، روحانیان و دست اندرکاران امور دینی را محسود قدرت ها قرار داده و نیز حاکی از ثروت بی حساب اماکن دینی است. گر چه درآمد کلیسا از محل های یادشده به دلیل دخالت حکومت ها دچار نقصان می شده و گاه به صفر هم می رسیده ولی در مجموع چون کلیسا درآمدهای خود را به اتکای ایمان و باور مردم تأمین می کرد سرانجام با محاسباتی که به عمل آمده تمام درآمدهای خزانه پاپی در حدود سال ۱۲۵۰ میلادی به مراتب زیاده تر از عایدات کلیه حکومت های غیر روحانی اروپا می شده است. «در سال ۱۲۵۲ میلادی وجوهاتی که حکومت پاپی از انگلستان دریافت کرد سه برابر عواید خزانه پادشاه انگلستان بود».<sup>۱۶</sup>

طبیعی است چنین درآمدی که با انگیزه خیر و پشتوانه دینی اخذ می شده به دور از مفسده نبوده است و اسقفان و کشیشان بسیاری در پی ثروت فراوان دچار مفاسد اخلاقی و ظلم و ستم شدند و وجهی را که می بایست در جهت خیر مصرف کنند برای امور شخصی خود، در جهات ناروا به کار گرفتند. این مفاسد در ادبیات قرن سیزدهم میلادی به صورت شعر، داستان و مقاله تجلی یافته و حتی در آثار رهبانان وقایع نگار به شکایاتی از حرص و مال اندوزی روحانیان برمی خوریم.<sup>۱۷</sup> یکی از رهبانان انگلیسی «پست فطرتی» اسقفان انگلیسی و رومی را مذمت کرده و نوشته که این جماعت با مشکل پسندی از محل موقوفات مسیح روزگار می گذرانند.<sup>۱۸</sup>

فساد دینمدارانی این چنین، مردم مؤمن را برانگیخت تا علیه آنان، نه علیه دین یا امور خیریه قیام کنند. همان مردمان مؤمنی که پنی های (پول خورد) خود را روی هم می نهادند و به ساختن کلیساهایی برای مریم باکره مبادرت می جستند قادر بودند علیه تمایلات اشتراکی کلیسا آوای مخالفت بلند کنند و گاهی کشیش لجوجی را به خاک هلاک اندازند.<sup>۱۹</sup>

داستان منابع درآمد کلیسا و تشکیلات پاپ نه مقصود ماست و نه در این نوشته می گنجد و آنچه نقل شد برای نشان دادن منابع اصلی و اولیه درآمد روحانیان، کلیسا، صومعه ها و دیرها بود که همه و همه بر اساس ایمان و باور قلبی مردم و با هدف انجام امور خیریه اعم از دنیوی و اخروی صورت می گرفت و با نشیب و فرازهایی که از لحاظ مصرف و درآمد داشت در همین جهت هم به کار گرفته شد.

اکنون باید دید این منابع و درآمدها حاصله از آن در چه اموری به کار گرفته و مصرف می شده و چه خدماتی را در توسعه

زندگی اخروی و دنیوی مؤمنان موجب شده است.

## خدمات کلیسا

مصرف اموال و موقوفات و حتی کار راهبان صومعه‌ها (که می‌توان نوعی درآمد تلقی شود) با هدف مشترک و کلی که جلب رضایت خدا و خدمت به دین بوده در این امور خلاصه می‌شود.

### ۱. گسترش مسیحیت

هدف اصلی کشیشان و اسقفان رواج مسیحیت و آموزه‌های دینی بوده و این هدف که پس از حضرت مسیح (ع) با موعظه و تبلیغ رسولان یا حواریون دنبال شد با تقویت بنیه مالی کلیسا و ثروت حاصل از خیرات و مبرات مؤمنان شتاب بیشتری به خود گرفت و برای گروندگان هم جاذبه زیادی به وجود آورد. مبلغان و مسیونرهای مذهبی از این پس قدرت داشتند تا همراه با موعظه، خدماتی را هم ارائه دهند و از بینوایان دستگیری کنند.

این گونه کمک‌ها به خصوص در جوامعی که چندان تقید و تعمق دینی نداشتند موجب شد تا عده‌ای احساس کنند رفاه و آسایش و نجات یافتن آنان از امراض مربوط به دینی است که مبلغان عیسویت آن را تبلیغ می‌کنند و رفته رفته به دین مسیح مؤمن شوند.

حضور مسیحیان در دربار مغولان - که از دین‌های الهی خبری نداشتند - و مسافرت آنان از ونیز به چین و سفراتی که از سوی پاپ برای سلاطین مغولی آن دیار ایفا می‌کردند حاکی از همین هدف است و در قرون اخیر هم حضور طیبیان و افزارمندان مسیحی در لباس کشیشی در میان سیاهان آفریقا و ارائه خدمات پزشکی و فنی به آنان همراه تبلیغ مسیحیت، نتایج مفیدی برای کلیسا به بار آورد که هنوز هم ادامه دارد.

چنین گروه‌هایی حتی در کشورهای اسلامی هم مشغول فعالیت شدند و بیمارستان‌هایی در ایران با عنوان مسیحیت برای مداوای بیماران در بعضی از شهرها مانند شیراز تأسیس شد به دور از چنین هدفی نمی‌توانست باشد. اما غرور دینی و اصالت تعالیم اسلامی مانع توفیق همه جانبه مسیونرهای مذهبی مسیحیت شد.

گسترش مسیحیت گر چه همواره از راه تبلیغ و موعظه و کمک‌های مزبور صورت می‌گرفت اما گاهی هم مبلغان از طریق فشار و تحکم و حتی جنگ هم در صدد توسعه دین مسیح برآمده‌اند.

جنگ‌های صلیبی که بودجه آن را کلیسا تأمین می‌کرد و چهره خشن تبلیغ دینی را به وسیله کشیشان آشکار می‌سازد بارزترین نمونه در این زمینه است. جالب توجه است بدانیم که تأمین‌کننده بودجه چنین جنگ‌هایی عمدتاً کلیساها بودند که از درآمدهای خود یا قبول هدایای مردم فراهم می‌شد.



«پاپ‌ها ابتدا با گرفتن مالیات از املاک و درآمدهای اسقفان برای تدارک جنگ‌های صلیبی و سپس با سرشکن کردن مخارج روزافزون حوزه حکم‌فرمایی پاپی روز به روز خزانه‌های اسقفی را تهی کردند».<sup>۲۰</sup>

صرف نظر از باور دینی مسلمانان در مورد تعالیم کلیسا و صرف نظر از بعضی از رفتارهای ناهنجار روحانیان مسیحی که نباید آنها را به حساب تعالیم حضرت مسیح گذاشت باید اذعان کرد که اصل تعالیم مسیحیت، که عبارت است از: توجه به خدا، دوری از بت‌پرستی و انجام کار نیک، امری پسندیده و مورد تأیید دین اسلام هم می‌باشد و اگر کشیشان مسیحی سیاهان آفریقا یا مغولان بی‌دین را به دین عیسی درآورده باشند گامی در جهت اصلاح آنان برداشته و این کار فی حد ذاته کاری است نیکو و اصولاً ترویج دین الهی نوعی خدمت تلقی می‌شود.

به یاد بیاوریم که هدف اساسی و اصلی اسلام، مسیحیت و یهودیت و دین زردشت (اگر زردشت را پیامبر آسمانی و اهل کتاب بدانیم) به تعبیر قرآن مجید یکی است.<sup>۲۱</sup>

## ۲. عمران و آبادی

کلیسا در غرب نه تنها به مردم ترس از آخرت، طلب آموزش و دیگر آیین‌های دینی را که هدف آنها رستگاری در جهان دیگر بود آموخت بلکه «پاره‌ای از رسوم اجتماعی را نیز (به آنها) افزود؛ به مردم تعلیم داد که کار کردن حیثیتی دارد و عار نیست و خود با گماشتن رهبانان به کار کشاورزی و صنعت دستورهای خود را عملی کرد. سازمان کارگران را در اصناف تقدیس کرد و خود برای انجام امور خیریه به تشکیل دسته‌های مذهبی مبادرت جست... پاره‌ای اوقات محوطه مقدس یا حتی خود کلیسا با رضایت روحانیان خوش مشرب برای انبار کردن غله یا کاه... مورد استفاده قرار می‌گرفت».<sup>۲۲</sup>

کشیشان، اسقفان و کاردینال‌ها نه تنها در کارهای مربوط به حوزه مذهبی خود توجه داشتند بلکه عمران و آبادی شهرها را نیز در برنامه کار خویش قرار می‌دادند: «برای آبادانی و زیباساختن رم که هنگام استقرار آنان (پاپ‌ها) در آوینیون دچار ویرانی و زشتی و کثافت بسیار شده بود کوششی فراوان کردند».

باتلاق‌ها را خشکاندند، خیابان‌ها را سنگفرش کردند، به مرمت پل‌ها و جاده‌ها پرداختند، آب‌انبارها را تعمیر کردند، کتابخانه و اتیکان و موزه کاپیتولین را بنیاد نهادند، بیمارستان‌ها را توسعه دادند، مؤسسات خیریه برپا داشتند، کلیساهای جدید ساختند و کلیساهای قدیم را اصلاح کردند، شهر رم را با اصلاح کاخ‌ها و باغ‌ها زیبا ساختند، دانشگاه رم را از نو سامان بخشیدند، اومانیت‌ها<sup>۲۳</sup> را در احیای ادبیات و فلسفه و هنر پشتیبانی کردند، نقاشان و پیکرتراشان و معماران را - که امروز آثارشان میراث گران قدر بشریت است - به کار گماشتند و در سایه حمایت خود گرفتند».<sup>۲۴</sup>

اگر بخواهیم کارهای عمرانی، به خصوص کارهای هنری که در زیباسازی شهرها تأثیر داشته و ناشی از ایمان مردم به مسیحیت بوده - صرف نظر از آنچه را کلیسا به اتکای قدرت خود انجام داده - برشمردیم نیاز به فهرست بلندبالایی خواهیم داشت.

همین قدر باید و کافی است که گفته شود هم‌چنانکه نیکوکاران ایران باستان به اتکای باور دینی زمین‌های خشک را با حفر قنات و انشعاب رود از رودخانه‌ها آباد کردند و مسلمانان با عشق و ایمان مساجد بزرگ و زیبایی بنا شده و بر تزیینات آن افزودند و به نام دین و عشق به اسلام آثار هنری بزرگ خلق کردند، مؤمنان مسیحی اعم از معمار و مجسمه‌ساز و بنا و حتی کارگر ساده در پیشبرد عمران و آبادی شهرها و دهکده تلاش فراوان از خود به خرج دادند و چون این تلاش‌ها بر پایه اعتقاد قلبی استوار بود از هرگونه کمی و کاستی به دور بوده و تا امروز هم پابرجاست.

### ۳. تعلیم و تربیت

در گذشته‌های دور و گذشته‌های نه‌چندان فراموش شده و متصل به‌زمان ما، تعلیم و تربیت و از آن جمله سوادآموزی بر عهده مردان مذهبی بوده است.

در ایران مکتب‌خانه‌ها و مدارس علوم قدیم عهده‌دار آموزش‌های ابتدایی و عالی بودند که این روش فعلاً فقط در آموزش علوم دینی متداول است.

تأمین‌کننده بودجه این‌گونه مدارس، مردم خیراندیش بودند که در مورد مدارس علوم دینی با پرداخت هدایا، نذور، سهم امام (ع) و وقف مال، نیت خیر خود را عملی می‌ساختند.

همین امر موجب شد که هنگام استقرار نظام مشروطیت در ایران و به‌وجود آمدن وزارت‌خانه‌ها، اداره معارف، که بیان‌کننده آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی فعلی بود، با اوقاف یک وزارت‌خانه را به نام «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» تشکیل دهد.

در غرب هم وضع به همین منوال بوده و کلیسا و روحانیان عهده‌دار کار تعلیم و تربیت بودند و حتی کسانی که در لباس روحانی وابسته به کلیسا می‌شدند، امکان داشت برای امرار معاش در سمت منشی‌گری نجبا و اشراف و مالکان بزرگ حقوق دریافت کنند.

کتاب سرخ و سیاه اثر استاندال به خوبی اوضاع اجتماعی آن روزگار و مشاغل روحانیان را در قالب یک رمان دلچسب بازگو می‌کند: «هنگامی که در قرن ششم امواج تلاطم مهاجرت اقوام آرام گرفت چندین مدرسه غیرکلیسایی در ایتالیا به جا مانده بود، مابقی مدارس اکثراً اختصاص به تربیت راهبان و کشیشان نوآموزش داشت.

مدتی (۵۰۰ تا ۸۰۰ میلادی) کلیسا تمام توجه خویش را معطوف به تربیت روحانی کرد و انتقال معلومات غیرمذهبی را هرگز یکی از وظایف خود به حساب نیاورد ولی بر اثر اصرار مداوم شارلمانی بود که کلیساهای جامع، دیرها، کلیساهای محلی و راهبه‌خانه‌ها به افتتاح مدارس برای تعلیم عمومی پسران و دختران مبادرت ورزیدند. در بدو امر مدارس دیرها تقریباً تمامی این بارگران را بر دوش می‌کشیدند معمولاً در دیر یک سکولانتریور (مدرسه اندرونی) وجود داشت که کارش دادن

تعالیم دینی و تربیت نوچه‌ها برای نیل به مقام کشیشی بود. و یک سکولاکستریور scholaeexterur (مدرسه بیرونی) که ظاهراً بلاعوض به آموزش و پرورش پسران می‌پرداخت.»<sup>۲۵</sup>

آموزش و پرورش که به هر صورت یکی از پایه‌های تمدن بشری است، در غرب مسیحی شده تا این اواخر به دست روحانیان اداره می‌شد و حتی دانشگاه‌ها هم با بودجه کلیسا و مردم به وجود می‌آمد و به کار خود ادامه می‌داد.

در انگلستان فرزندان خانواده‌های تنگدست از تحصیل بازمی‌ماندند. برای تحصیلات ابتدایی پسران و دختران همه طبقات آموزشگاه‌های خیریه رایگان تأسیس شده بود.<sup>۲۶</sup>

«گروهی دانشجوی تنگدست بینوا با یاری افراد نیکوکار یا سازمان‌های خیریه و پاره‌ای همچون نیوتن، با اشتغال به کار، تحصیل می‌کردند.»<sup>۲۷</sup>

دختران در آموزشگاه‌های ابتدایی روستایی و خیریه با خواندن، نوشتن، دوزندگی، بافندگی و ریسندگی آشنا می‌شدند و اندکی حساب، و تعلیمات دینی بسیار می‌آموختند.<sup>۲۸</sup>

یکی از دانشگاه‌های بنام جهان دانشگاه آکسفورد در انگلستان است که در قرن دوازدهم از مدارس آنجا به وجود آمده و در سال ۱۲۰۹ میلادی حدوداً سه هزار دانشجو و معلم داشته است.

در آکسفورد مانند پاریس و کیمبریج کالج‌ها در آغاز کار به صورت خانه‌های موقوفه‌ای برای دانشجویان بی‌بضاعت بودند. در همان آغاز این مراکز هر کدام به صورت مدارس درآمدی در آمدند که در آن دانشجویان و معلمان حجره‌هایی داشتند و به تعلیم و

تعلّم می‌پرداختند و تا پایان قرن سیزدهم این مجالس درس از نظر صوری و تربیتی از اجزای متشکله دانشگاه شده بودند. در حدود سال ۱۲۶۰ میلادی سرجان دبیلیل از مردم اسکاتلند (پدر پادشاه اسکاتلندی در ۱۲۹۲) به عنوان کفّاره گناهی نامعلوم به

تأسیس یک «خانه بیلبل» مبادرت ورزید و برای نگاهداری پاره‌ای از دانشوران بی‌بضاعت که ایشان راسوکینها (یاران) می‌نامیدند هفته‌ای هشت پنس (۸ دلار) مستمری معین کرد. سه سال بعد «والتر دو مرتن» ابتدا در محل مالدن و کلی پس از آن در

آکسفورد «خانه دانشوران مرتن» را تأسیس و وقف کرد تا هر قدر درآمد خانه مزبور اجازه دهد از این قبیل دانشجویان مستحق پذیرایی کند. این گونه درآمدها بارها بر اثر ترقی قیمت اراضی دو برابر می‌شد چنانکه اسقف اعظم پکم در ۱۲۸۴ از این شکایت

داشت که «دانشوران فقیر» مساعده‌هایی اضافی برای «یک زندگی راحت» دریافت می‌کنند. به طور کلی علت ثروتمند شدن کالج‌های انگلستان تنها گرفتن حق عضویت برای دانشوران بی‌بضاعت و سایر تحف و هدایا و بلکه ترقی قیمت املاکی بود

که از موقوفات این مدارس محسوب می‌شد.»<sup>۲۹</sup>

در فرانسه هم دانشگاه‌ها در ابتدا وابسته به کلیسا بودند و حتی بالاتر از وابستگی، مشروعیت و رسمیت خود را از کلیسا می‌گرفتند.

مدارس کلیسایی آن کشور از اوایل قرن یازدهم شهرت بین‌المللی داشتند و همین مدارس رفته‌رفته به دانشگاه تبدیل شدند. «تا آنجا که اطلاع داریم نخستین استاد مدرسه کلیسای جامع نتردام گیوم دو شامپو بود و بر اثر دروسی که در راهروهای سرپوشیده نوتردام می‌گفت نهضتی فکری به وجود آمد که حاصل آن پیدایش دانشگاه پاریس شد».<sup>۳۰</sup>

«در عالم معارف قرن دوازدهم پاریس، عنوان ماگیستر Magister یا استاد به کسی اطلاق می‌شد که از صدر کلیسای جامع نوتردام اجازه تدریس گرفته باشد. تا این تاریخ، دانشگاه پاریس چنان بر شالوده مدارس کلیسایی شهر استوار شده و ترقی کرده بود که تشخیص منشأ اصلی آن غیرممکن بود. در واقع اولین عاملی که به این دانشگاه وحدت بخشید صدور اجازه تدریس از مقام واحدی بود که همان صدر کلیسای جامع نوتردام باشد».<sup>۳۱</sup>

این رویه با صدور اجازه نقل حدیث و قرائت کتب حدیث از شیخ برای تلمیذ خود که هنوز هم در سلسله نقل احادیث اسلامی متداول می‌باشد قابل مقایسه است. همچنین با صدور اجازه اجتهاد از استاد برای شاگردی که بدین مرحله رسیده باشد و هم‌اکنون حوزه‌های علمی دینی شیعه چنین اجازاتی را صادر می‌کنند.

یکی از منابع مهم تأمین هزینه دانشجویانی که در دانشگاه‌های فرانسه به تحصیل مشغول بودند موقوفات و هدایای مردم نیکاندیش بود چنانکه در جامعه اسلامی و به خصوص ایران تأمین‌کننده هزینه مدارس علوم دینی، که در زمان‌های گذشته علوم دیگری چون نجوم، طبابت، ریاضیات و تاریخ هم در آنها تدریس می‌شد، موقوفات و هدایای مردم خیراندیش بود. «مهمانسراها یا اقامتگاه‌های دیگری نیز از طرف فرقه‌های رهبانان کلیساها یا اشخاص خیر دایر شدند که هر کدام با موقوفه‌ها یا بررسی از ممر عواید سالیانه خود از هزینه زندگی دانشجویان می‌کاستند. در ۱۲۷۵ میلادی روبردو سوربن، کشیش نمازخانه خصوصی سن لویی «خانه سوربن» را وقف شانزده نفر از دانشجویان علوم الهی کرد. با جوهی که لویی و جمعی دیگر از کیسه فتوت خود بذل کردند جا برای عده زیادی فراهم آمد و تعداد این بورس‌ها به سی و شش بالغ شد، از همین خانه بود که کالج سوربن به وجود آمد».<sup>۳۲</sup>

از مجموع این گزارش‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که کلیسا و باور دینی علاوه بر آنکه در حدی که آموزه‌های دینی اجازه می‌داد به آموزش و پرورش و اشاعه علوم کمک کند با استفاده از پشتوانه مالی که در اختیار داشت هزینه تأسیس دانشگاه‌ها و مدارس را عموماً تأمین کرد و مردم نیک‌اندیش هم به اتکای باور دینی در این راه سهم بسزایی بر عهده گرفتند.

در قرون وسطی که تاریکی همه جا را فرا گرفته بود و تا حدی کلیسا هم در ایجاد چنین وضعیتی سهم داشت، باز هم آموزه‌های دینی بود که نگذاشت مشعل دانش و علم خاموش گردد و همین رونق کم و فروغ ناتوان بود که بعدها به صورت شعله فروزانی قرن هیجدهم و نوزدهم روشن ساخت و بشر توانست با خردگرایی خود - بعد از سرخوردگی که از مذهب پیدا کرده بود - دوباره به آموزش‌های صحیح مذهبی رو آورد و مشعل دانش را فراروی خود قرارداد و تمدن فعلی را رونق داد و

هم چنان در حال توسعه و گسترش آن است.

خلاصه نقش کلیسا و آموزه‌های دینی را می‌توان در عبارات زیر به خواننده ارائه کرد:

راهبه‌ها و زنان تارک دنیا قرن‌ها معلم و مربی دختران بودند. اگر زبان‌های یونانی و لاتین در برابر سیل جهالت و نادانی از میان نرفتند بدان جهت بود که راهبان، در همان حال که سبب نابودی بسیاری از کتب ملل مشرک شدند، دستنویس‌های بی‌شماری را هم با نسخه‌برداری از خطر فقدان و نابودی نجات دادند و با نوشتن و خواندن یونانی و لاتین این دوزبان را زنده نگاه داشتند. در کتابخانه‌های وابسته به کلیسا در سناگال، فرلدا، مونته‌کاسینو و دیگر جاها بود که اومانیت‌ها دوره‌رنسانس بر آثار گرانبهای تمدن‌های درخشانی که هرگز نام مسیح را نشنیده بودند دست یافتند. مدت هزار سال یعنی از زمان قدیس آمبروسیوس تا ولزی تمام دانشوران، آموزگاران، قضات، دیپلمات‌ها و وزرای ممالک اروپا باختری پرورده مکتب کلیسا بودند. در قرون تیرگی دولت متکی بر کلیسا بود.<sup>۳۳</sup>

#### ۴. دستگیری از درماندگان

منظور از درماندگان کسانی هستند که بر اثر حوادث گوناگون چنانکه می‌بایست نمی‌توانند در جامعه به زندگی خود ادامه دهند. بنابراین درماندگان ممکن است دانشمندان تحت آزار و شکنجه یا محکومان بی‌گناه، فقیران، بینوایان، رانده‌شدگان و مانند اینها باشند.

نیک‌سیرتان و خیراندیشان به اتکای باور دینی در اندیشه این‌گونه افراد به خصوص فقیران بوده و تدابیری را در این زمینه اتخاذ کرده‌اند.

گویا در اعصار پیشین همانند امروز بشر احتمال می‌داده که بیگناهی حتی در دادگاه‌های رسمی محکوم به مجازات شوند که درخور آن نیستند و مطمئن بوده که افرادی بدون گناه مورد تجاوز و تعدی ظالمان و ستمگران قرار می‌گرفته‌اند. و کسانی هم بر اثر خشم طبیعت یا سایر حوادث مستأصل و مشتم می‌شدند. بدین جهت، هم چنان که بشر برای جلوگیری از هر بلایی تدبیری اندیشیده برای این‌گونه امور هم درصدد چاره‌جویی بوده تا راهی معقول بیابد.

در تورات آمده است: «آنگاه موسی سه شهر به آن طرف اردن به سوی مشرق آفتاب جدا کرد تا قاتلی که همسایه خود را نادانسته کشته باشد و پیشتر با وی بغض نداشته به آنها فرار کند و به یکی از این شهرها فرار کرده زنده ماند».<sup>۳۴</sup>

نقل این فراز از تورات برای نشان دادن احساس نیاز بشر به پناهگاه بوده، گر چه ممکن می‌بود این پناهگاه همانند دیگر ابزار سودمند مورد سوء استفاده هم قرار گیرد. بعدها نیز در جهان اسلام و مسیحیت بست‌هایی به وجود آمد و هم‌اکنون در عالم سیاست پاره‌ای از اماکن، مانند محل تشکیل مجالس مقننه، دارای حرمت نسبی برای کسانی که تحت آزار قرار گرفته‌اند می‌باشند و گاهی شنیده می‌شود که فلان شخص یا فلان جمعیت در محلی تحصن کرده و حق خود را مطالبه می‌کنند یا از

آزار احتمالی که متوجه آنان است بدان محل پناه برده‌اند.

«کلیسا در دورانی که بر اثر متانت کیش و عقیده‌اش، فریبندگی و جادوی شعایر و مراسم دینیش، اخلاق نجیبانه و بزرگووارانه پیروانش، دلیری و حمیت و درستکاری اسقفانش، و عدالت‌گستری محکمه‌های روحانیش جای خالی حکومت امپراتور رم را می‌گرفت و مرجع نظم و صلح دنیای مسیحیت در قرون تیرگی (حد ۵۲۴ – ۱۰۷۹) می‌شد، در اوج کمال اخلاقی و ترقی خود بود. اروپا رستاخیز تمدن را در مغرب‌زمین بعد از هجوم بربرها به ایتالیا، گل، بریتانیا و اسپانیا بیش از هر سازمان و مؤسسه‌ای به کلیسا مدیون است.<sup>۳۵</sup>

فراموش نمی‌کنیم که در جهان اسلام وقتی حکومت‌ها مبانی دینی را نادیده انگاشته و برای تصرف سرزمین‌های یکدیگر به جان هم افتادند مساجد، و خانقاه‌ها، بقاع متبرکه و خانه مقدسان، علما، متصرفه، عرفا و زاهدان بود که تا حدی مردم بی‌نوا را از چنین هجوم‌هایی در امان می‌داشت. حتی هنوز پیرمردانی در جامعه ایران هستند که خاطراتی از دوره ناامنی کشور دارند و برای ما نقل می‌کنند که چون دزدان به روستا یا قلعه یا مزرعه‌ای حمله می‌کردند آن دسته از مردم که به امامزاده‌ای پناه می‌بردند حداقل جان خود را از دست راهزنان رها نیده بودند و دزدان برای چنین اماکنی حرمت ویژه قائل بودند.

در اروپای قرون وسطی هم وضع تا حدی چنین بوده است هر کلیسایی مخفیگاه افراد بود و اشخاصی که تحت تعقیب بودند حق داشتند در یکی از آنها آن قدر بنشینند تا آنکه غلیان احساسات دنبال‌کنندگان فرو نشیند و جای خود را به تعقیب قانونی بسپارد. بیرون کشیدن اشخاص متخصص به عنف از کلیساها یک نوع بی‌حرمتی به دستگاه روحانی بود که مرتکب را سزاوار کیفر می‌ساخت.<sup>۳۶</sup>

کلیسا از محل درآمد خود و موقوفات سرپرستی افراد بی‌چیز و اطفال یتیم را عهده‌دار می‌شد، کاری که هم‌اکنون نیز متداول است.

جهل و فقر دو دشمن بزرگ توسعه‌اند و مبارزه با آنها هم چندان آسان نیست ولی مؤمنان، به خصوص وقتی از هدایت رهبری روشن و متقی برخوردار بوده‌اند با ایمان خود با این هر دو بلا جداً مبارزه کرده و در توسعه تمدن بشری سهم بسزایی به خویش اختصاص داده‌اند.

بلای فقر که بر اثر عوامل مختلف در همه جوامع بروز می‌کند و بدبختانه بی‌آمد آن مرگ است و به همین جهت درمان فوری را می‌طلبند، جز از راه صرف مال علاج‌پذیر نیست.

از این رو بسیاری از مؤمنان و دینداران با اعتقاد دینی از ثروتی که بر اثر کار و تلاش خویش کسب کرده‌اند در خیلی از موارد درصدد جلوگیری از بروز چنین بلایی برآمده و بی‌آمدهای فقر را بی‌اثر کرده‌اند و از این بالاتر با ایجاد زمینه‌های مناسب از ایجاد فقر و جلوگیری از توسعه آن تأسیساتی را ایجاد کرده‌اند.

از جمله پی آمدهای انقلاب صنعتی اروپا استفاده از کودکان در کارگاه‌ها بوده و در همین زمان است که می‌بینیم مقامات کلیساهای محلی که از هزینه نگاهداری کودکان یتیم یا بی چیز ناراحت بودند با کمال میل آنها را گاهی در گروه‌های پنجاه نفری، هشتاد نفری یا صد نفری به صاحبان صنایع کرایه می‌دادند. در مواردی چند، این مقامات تصریح می‌کردند که کارفرمایان باید در برابر بیست طفل یک نفر ناقص‌العقل را هم بپذیرد.<sup>۳۷</sup>

این گزارش که در مرحله نخست توجه ما را به بی‌انصافی مقامات کلیسا جلب می‌کند از وضع ناهنجار یتیمان و بی‌سرپرستان حکایت دارد که باز هم مقامات کلیسا پیش از آنکه آنان را کرایه دهند در پناه خود گرفته و آنان را از مرگ نجات داده‌اند. بیشتر به منابع مالی کلیسا اشاره کردیم و اکنون می‌گوییم در کشور فرانسه:

«کلیسای کاتولیک معتبرترین سازمان در کشور بود که درآمد بسیاری را به خود اختصاص می‌داد و این درآمدها از نظر کلیسا برای وظایف گوناگون آن در زمینه ترویج زندگی خانوادگی، سازمان دادن آموزش و پرورش (قبل از ۱۷۶۴)، شکل دادن به کیفیات اخلاقی، حمایت از نظام اجتماعی، انجام امور خیریه، توجه از بیماران، دادن پناهگاه در صومعه‌ها به صاحبان روحیه‌های اهل تعمق یا غیرسیاسی سرخورده از اغتشاش توده‌ها و ظلم و ستم دولت و القای آمیزه‌ای عاقلانه از ترس، امید و تسلیم به کسانی که بر اثر نابرابری طبیعی افراد بشر به فقر و مشقت و اندوه محکوم شده بودند مورد نیاز بود.<sup>۳۸</sup>

امروز ما در جهانی زندگی می‌کنیم که بسیاری از خلأها را سیستم حکومتی و تدابیر اقتصادی و اجتماعی پر کرده است اما باید به یاد بیاوریم که در روزگاران گذشته همه این نیازها، که امروز با بیمه، کمک دولت، تعهدات بین‌المللی، وجدان عمومی بشر و... برطرف شده و باز هم بشر تلاش می‌کند بدانها توسعه دهد، به وسیله مردم خیراندیش در همه جوامع و عمدتاً به خاطر آموزش اخروی و زندگی جاودانی تا حدی برطرف می‌شد و در جهان غرب عمدتاً کلیسا بود که بر پایه باور دینی عهده‌دار این گونه امور بود. باور دینی مردم چه در جهان مسیحیت و چه در جهان اسلام می‌تواند وسیله‌ای برای توسعه و ترقی جوامع و ملت‌ها باشد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾، انبیا، آیه ۱۰۵.
۲. ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ...﴾، توبه، آیه ۱۲۲.
۳. ویل‌دورانت، درآمدی بر تاریخ تمدن، ناشر سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۶۸، ص ۲۰۴.
۴. ویل‌دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۹۸۳.
۵. جان بی‌ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۶۱۵.

۶. ویل دورانت، همان، ج ۶، ص ۱۷.
۷. ویل دورانت، همان، ج ۶، ص ۴.
۸. تورات، سفر لاویان باب بیستم، بند یک تا چهار.
۹. تورات، سفر لاویان باب بیست و هفتم، بند چهاردهم.
۱۰. تورات، سفر لاویان خروج باب ۳۵، بندهای ۴ و ۲۰ و ۲۱.
۱۱. ویل دورانت، همان، ج ۶، ص ۵.
۱۲. ویل دورانت، همان، ج ۱۰، ص ۳۷۳.
۱۳. خوانند همان ارباب و صاحب ده است که مردم آنجا را اداره می‌کرده و هنگام لشکرکشی شاه یا هر حاکم متبوع خود سر باز فراهم می‌ساخته و از املاک خود حفاظت می‌نمود.
۱۴. سرف یا رعیت کسی بوده که از خود زمین نداشته و در زمین متعلق به دیگری کار می‌کرده و هر وقت صاحب می‌خواسته او را اخراج یا همراه زمین به مالک دیگر واگذار می‌کرده است.
۱۵. ویل دورانت، همان، ج ۴، ص ۱۰۳۰.
- ۱۶ و ۱۷. همان، ص ۱۰۳۱.
- ۱۸ و ۱۹. همان، ص ۱۰۳۲.
۲۰. همان، ص ۱۰۳۰.
۲۱. آیه ۵۷ سوره آل عمران حاکی از آن است که مسلمانان با اهل کتاب در عبودیت خدای یگانه و شرک نورزیدن به آن یکسانند و این امر هدف همه پیامبران بوده است. هم چنین در آیه ۲۸۵ سوره بقره است که میان فرستادگان خدا تفاوتی (در امر رسالت) وجود ندارد.
۲۲. ویل دورانت، همان، ج ۴، ص ۱۰۱۲.
۲۳. اومانیست‌ها به کسانی گفته می‌شد که مطالعه فلسفه و ادبیات را برای انسان و خدمت به وی دنبال می‌کردند و مناسب‌ترین موضوع مطالعه و بررسی را خود انسان می‌دانستند. آنان اندیشه خود را از دین متوجه فلسفه و از آسمان به زمین معطوف می‌داشتند.
۲۴. ویل دورانت، همان، ج ۶، ص ۱۷.
۲۵. ویل دورانت، همان، ج ۴، ص ۱۲۳۴.
۲۶. ویل دورانت، همان، ج ۹، ص ۶۹.
- ۲۷ و ۲۸. ویل دورانت، همان، ج ۹، ص ۷۰.
۲۹. ویل دورانت، همان، ج ۴، ص ۱۲۴ - ۱۲۴۹.
۳۰. ویل دورانت، همان، ج ۴، ص ۱۲۴۲.
۳۱. ویل دورانت، همان، ج ۴، ص ۱۲۴۳.
۳۲. ویل دورانت، همان، ج ۴، ص ۱۲۴۵.
۳۳. ویل دورانت، همان، ج ۶، ص ۶.
۳۴. تورات، سفر تثئیه باب چهارم بند ۴۱ و ۴۲.
۳۵. ویل دورانت، همان، ج ۶، ص ۶.
۳۶. ویل دورانت، همان، ج ۴، ص ۱۰۱۲.
۳۷. ویل دورانت، همان، ج ۱۰، ص ۹۱۹.
۳۸. ویل دورانت، همان، ج ۱۰، ص ۱۲۲۱.